

## مصاحبه با مرحوم آیت الله حاج شیخ محمدتقی نجفی



بسم الله الرحمن الرحيم

من به اتفاق مرحوم والد آیت الله حاج میرزا عبدالحسین نجفی برادرزاده مرحوم آیت الله حاج آقا نورالله نجفی، بارها به منزل عمومی بزرگ خاندانمان می رفتیم. مرحوم حاج آقا نورالله به خاطر علاقه و عشق شدیدی که به مرحوم آیت الله آقاجناب داشتند، به خاندان و اولاد و نوه های ایشان احترام زیادی می گذاشتند و با آنکه مرحوم پدرم در سنین جوانی بودند بخاطر

شخصیت خودشان و همچنین جانشینی آقاجناب در امامت مسجدشاه و موقوفات آن مرحوم، مورد احترام شدید حاج آقا نورالله واقع می شدند و ایشان با آن موقعیت و سن، تمام قد جلوی پدرم می ایستادند و بدقت به حرفها و یا مطالب ایشان گوش می دادند. در زمان قیام ایشان هم، پدرم با علاقه و حرارت زیاد در کنار عمومی بزرگوارشان قرار داشته و در مهاجرت به قم از اول تا آخر حضور خود را اعلام داشتند و از مطالب و خاطراتی که از آن زمان دارم، این است که موقع عزاداری و تشییع حاج آقا نورالله را بخوبی به یاد می آورم با وجود آنکه جنازه مرحوم حاج آقا نورالله را بعد از شهادت به اصفهان نیاوردند و به نجف اشرف منتقل نمودند ولی اصفهانیه ها یک تابوت خالی در یک امارت گذاشته بودند و آن را تشییع می کردند به یاد دارم یک دسته سنگ زن در مراسم ایشان بودند که هر کدام دو تا سنگ به دو تا چوب داشتند و اینان این دو سنگ را به هم می زدند، بعد طرف راست به هم می زدند و بعد طرف چپ و بالای سر اینکار را تکرار می کردند و این اعمال خیلی به چشم می خورد. در کنار اینان و دستجات عزادار و قمه زن و زنجیرزن از اصفهان و دهات اطراف در مسجد شاه جمع شده بودند و زن و مرد در اطراف این تابوت خالی نوحه خوانی و زاری می نمودند. اینان هر چند ذرع یکبار تابوت خالی را زمین می گذاشتند و با حال زاری می گفتند: آقا رفتی و در غربی کشته شدی و بعد دوباره گریه می کردند. بخوبی به یاد دارم که مردم این شعر را در رثای آیت الله می خواندند:

ای آقای ما، سرور ما جای تو خالی است

ای نایب پیغمبر ما جای تو خالی است

آیت الله زمان رفت ز دست

ای خدا بیرق اسلام شکست، ای خدا بیرق اسلام شکست.<sup>۱</sup>

۱. مصاحبه با آیت الله حاج شیخ محمدتقی نجفی فرزند آیت الله حاج میرزا عبدالحسین نجفی به تاریخ ۱۳۶۶ شمسی.

## در ایران هم تفکیک سیاست از روحانیت شد



تهدید نمودن علما از سوی حبل المتین بعد از شهادت حاج آقا نورالله روزنامه حبل المتین پس از شهادت حاج آقا نورالله با اعلام این موضوع که در ایران هم تفکیک سیاست از روحانیت شد، نوشت:

«هرگز تصور نکنید که از این پس زمانه به حضرات عالی اجازه دهد که کیف ماشاء حرکت و به اغراض شخصی دخالت حتی در طرز کفش و کلاه مردم نمایید. نتیجه سه ماه تعطیل که چند میلیون به افراد مسلمین زیان وارد آمد چه شد و ذمه دارش کیست؟ دولت اسلامی [یعنی حکومت رضاخان!!] و از خود شماس، بیگانه که نیست و دیانت اسلام ربطی به ملک و مانع ترقی عصر حاضر نیست.»

بعد از آن با زبان تهدید و اهانت ادامه می دهد:

«اندکی به روحانیین ترکی و افغانی نظر انداخته ببینید درجه حالند. و به جرات می گویم اگر آنان به خیالات قائدین ملت [یعنی آتاتورک و... ] همراه شده بودند به این روز سیاه نمی نشستند. اگر روحانیین ایران هم مانع پیشرفت و ترقیات گردند، خواهند دید همان چیزی را که دیگران دیدند. اگر چه به عقیده بسیاری دولت با حسن تدبیر این نیران برافروخته دست خارجی (یعنی قیام حاج آقا نورالله) را خمودی بخشید ولی به عقیده ما چند سال ایران را عقب انداخت. خوب بود با صراحت لهجه به آقایان بلکه به کلیه افراد حالی می شد که در ایران هم تفکیک دیانت از سیاست شد. نه ارباب سیاست دخالت در امور روحانی خواهند نمود و نه روحانیین در کارهای داخلی و خارجی دولت.

تا کی نباید اولیای دولت ما صراحت لهجه و شجاعت اخلاقی و شهامت فکری را پیشه خود سازند؟ تا چند بایست از هتاکی فلان روضه خوان یا از مذمت فلان آخوند هراسیده، حقایق را در لفافه های ضخیم اظهار دارند. اگر چه کار از کار گذشته ولی باز هم می گویم قبل از پیش آمد حادثه دیگر دولت با صراحت لهجه و شجاعت اخلاقی باید به جمیع طبقات حالی کند که هیچکس نمی تواند در خارج از وظایف خود قدم بردارد و هرکس چنین کند مجرم سیاسی و دیانتی شناخته خواهد شد.»<sup>۱</sup>

۱. روزنامه حبل المتین ۱۳۰۶ شمسی